

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره سیزدهم - بهار ۱۳۸۶
صص ۱۸۱ - ۱۶۱

آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو

عبدالرضا سبحانی^۱ - مهرداد شهیدی^۲

چکیده

کنکور در جامعه ما به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده که بر نظام آموزش عمومی و متوسطه و همچنین شرایط روانی و اقتصادی خانواده‌ها به شدت تأثیر می‌گذارد و به یک تهدید جدی برای نوآوری و خلاقیت و سلامت روانی نسل جوان تبدیل شده است. پژوهش درباره نظام پذیرش دانشجو و اندیشه برای برون‌رفت از این مشکل از اولویتهای نظام آموزش عالی کشور است. این تحقیق که مروری بر مطالعات نظری و میدانی شماری از پژوهشگران درباره کنکور است، ابتدا به آسیب‌شناسی کنکور در ابعاد مختلف خانوادگی، روانی، علمی و شغلی پرداخته، سپس نظام تصمیم‌گیری در پذیرش دانشجو را بررسی می‌کند. همچنین درباره فرضیه‌های مختلف برای حذف کنکور بحث نموده است. این فرضیه‌ها عبارت است از: کاستن تعداد متقاضیان

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (نویسنده مسؤول) @Yahoo.com 382.us.f

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

کنکور، تغییر کارکرد بخش‌هایی از ظرفیت آموزش عالی از کارشناسی به کاردانی و توسعه ظرفیت آموزش عالی. در بخش پایانی مقاله نیز پیشنهادهایی برای حذف تدریجی کنکور ارائه شده است.
کلید واژه‌ها: کنکور، دانشجو، آسیب‌شناسی.

مقدمه

کنکور دانشگاهها به عنوان یک معضل جدی در نظام آموزش عالی کشور شناخته شده که عوارض آن به نظام آموزش عمومی نیز سرایت کرده و آسیبهای جبران‌ناپذیری را بر سرمایه‌های انسانی و اقتصادی جامعه وارد ساخته است. کنکور در جامعه ما به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده که شرایط روانی، اقتصادی و آموزشی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. پژوهش و اندیشه درباره این موضوع که راه برون‌رفت از مشکل را نشان دهد از اولویتهای تحقیقاتی در نظام آموزش عالی کشور محسوب می‌شود.

آمارها نشان می‌دهد که در سالهای اخیر نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر از جوانان در کنکور سراسری شرکت می‌کنند. از آنجا که خانواده‌ها برای تحصیلات عالی فرزندان خود اهمیت زیادی قایل هستند، برای آن بیش از حد انتظار ارزش‌گذاری شده است. اما با کمال تعجب تحقیقات و فعالیتهای علمی در حوزه مسائل مربوط به کنکور سراسری بسیار اندک بوده است. باوجود این اظهارنظرهای فراوانی درباره آثار کنکور بر نظام آموزشی، اقتصاد خانواده و روحیه دانش‌آموزان ارائه شده است (معمدی، ۱۳۸۲).

به همین دلیل راه‌حلهایی که برای حل معضل کنکور ارائه می‌شود چون معمولاً مبتنی بر پژوهشهای عمیق میدانی نیست ناکارآمد و غیرعملی‌اند و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تاکنون مشکل حل نشده است. بنابراین مطالعه درباره کنکور و روشهای پذیرش دانشجو در کشور باید توسعه یابد و از اظهارنظرهای ناپخته و غیرعملی در این موضوع اجتناب شود.

در این تحقیق ضمن مرور بعضی مطالعات نظری و میدانی و مجموعه مقالات همایش‌های مرتبط با کنکور، آسیب‌شناسی این پدیده را مورد بحث قرار داده و برای حذف آن از نظام پذیرش دانشجو فرضیه‌ها را در نظر گرفته است.

آسیب‌شناسی کنکور

یکی از صدمات کنکور تغییر اهداف، ساختار و برنامه‌های دوره آموزش عمومی کشور است. کنکور و نظام سنجش آموزش عالی کشور بر اهداف و برنامه‌های آموزشی و درسی مدرسه‌ای کودکان و نوجوانان و جوانان کشور سایه افکنده و آنها را تخریب کرده است. به نحوی که روشهای تدریس پیشرفته و خلاق، کار گروهی، کار آزمایشگاهی و کارگاهی از مدارس رخت بر بسته و معلم و شاگرد در مدارس به خصوص دبیرستان و پیش‌دانشگاهی مشغول طراحی تست و تمرین سرعت و صحت در پاسخگویی به تست‌های کنکور هستند.

پژوهش‌هایی که به‌منظور بررسی تأثیر کنکور بر برنامه‌های درسی و شرایط روانی داوطلبان انجام شده نشان می‌دهد که کنکور به شیوه کنونی سبب ناکارآمدی نظام آموزش متوسطه و عقیم ماندن برنامه‌های آموزشی و درسی رسمی کشور می‌شود. کنکور هر سال که برگزار می‌شود بر سلسله اعصاب و روان شرکت‌کنندگان آسیبهای جبران‌ناپذیری وارد می‌کند و موجب نارضایتی بسیاری از مردم می‌شود (حج‌فروش، ۱۳۸۳).

هر سال برای ۹۰ درصد داوطلبانی که به دانشگاه راه نمی‌یابند هزاران مشکل ایجاد می‌شود و در حقیقت از هر ۱۰۰ گل بوستان جوانان ایران ۹۰ گل پرپر و لگدمال می‌شود. کنکور نقش مؤثری در تخریب شرایط روانی جوانان جامعه ایجاد کرده و بر برنامه‌های درسی مدارس در دوره آموزشی عمومی، به‌صورتی مخرب، تأثیر گذاشته است. روشهای پذیرش دانشجو و روشهای آموزش در دبیرستان به یک دور باطل تبدیل شده‌اند، به این معنی که در دبیرستان تست‌زنی را تمرین می‌کنند که در کنکور پذیرفته شوند و در کنکور به روش تست‌زنی آزمون می‌گیرند تا در دبیرستان تست‌زنی را تمرین کنند.

به خاطر سیاستهای سازمان سنجش و آموزش دانش‌آموزان دوره متوسطه و حتی دوره راهنمایی به جای یادگیری دانش و مهارت باید تست زدن را تمرین کنند تا شاید یک نفر از ۱۰ نفرشان به دانشگاه راه یابد. آزمایشگاهها و کارگاههای مدارس راهنمایی و دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی باید به روی دانش‌آموزان بسته بماند چون کنکور تجربه کار در آزمایشگاه را نیاز ندارد.

دانش‌آموزان در دوره دبیرستان هدایت تحصیلی و شغلی نمی‌شوند، زیرا تنها یک مسیر و آن هم دانشگاه را شناخته‌اند و راه ورود به دانشگاه هم از دروازه کنکور می‌گذرد. کنکور فرصت تفکر درباره هر آینده دیگری را از دانش‌آموز و معلمان گرفته است.

دانش‌آموزان در دوره دبیرستان هدایت شغلی نمی‌شوند و فرصت هم ندارند که با مشاغل گوناگون و متخصصان و صاحبان حرفه‌ها و مشاغل آشنا شوند و از نزدیک کارخانه‌ها، مؤسسه‌های تولیدی، خدماتی، علمی، پژوهشی و سازمانهای گوناگون را مشاهده کنند و علایق و استعدادهای خود برای انتخاب شغل و حرفه در آینده را بشناسند. زیرا هیچ یک از این کارها به درد پذیرش در دانشگاه نمی‌خورد. دانش‌آموزان نمی‌توانند برای انتخاب شغلی مولد، آمادگی لازم را کسب کنند در حالی که یکی از اهداف دوره متوسطه ایجاد این آمادگی است، اما باید وقت خود را صرف آمادگی برای کنکور کنند که شانس قبولی در آن فقط ۱۰ الی ۲۰ درصد است.

کلاسهای درس دوره متوسطه فعال اداره نمی‌شود، چون گفت‌وگو در کلاس موجب کاهش زمان تمرین تست می‌شود.

نشاط، پویایی، مطالعه، کاوشگری، تحقیق، ژرف‌اندیشی، خلاقیت، نوآوری، ابتکار، مهارت، هنرورزی از دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی رخت بر بسته و حتی به دوره راهنمایی سرایت کرده، زیرا در کنکور اصولاً این ویژگیها را نمی‌سنجند.

امروز در دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی آموزه‌ها و آزمون‌هایی مورد توجه است که کاربرد بسیاری از آنها نمره‌آوری در کنکور است و حتی برای تحصیل در دوره دانشگاه هم فایده‌ای ندارند، به‌طوری که حتی دانش‌آموزان پذیرفته شده در دانشگاهها آمادگی استفاده مناسب از کلاسهای دانشگاهی را ندارند و در دانشگاه دچار افت تحصیلی می‌شوند (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۰).

دانش‌آموزان دوره‌های دبیرستان و پیش‌دانشگاهی از فراگیری مهارتهای اساسی زندگی مانند بهداشت، سلامت، تغذیه، ورزش، معاشرت، ارتباط و آیین شهروندی و ... بازمانده‌اند، زیرا کنکور مجال پرداختن به این مسائل را برای آنها فراهم نکرده است.

معتمدی (۱۳۸۲) در پژوهش‌های میدانی خود که درباره «اثرات کنکور بر شرایط روانی راه نیافتگان به دانشگاه» انجام داده، این نتایج را به‌دست آورده است:

- ۱- سطح سلامت عمومی راه نیافتگان به دانشگاه به‌طور معناداری پایین‌تر از سطح سلامت عمومی دانش‌آموزان دیگر است.
- ۲- پیامدهای تنش‌های عصبی دانش‌آموزان در سالهای آخر کنکور حتی در صورت قبولی در دانشگاه رفع نمی‌شود و سطح سلامت عمومی پذیرفته‌شدگان در دانشگاه نسبت به دانش‌آموزان سال سوم و پیش‌دانشگاهی افت کرده است.
- ۳- سطح عزت‌نفس پذیرفته‌شدگان در دانشگاه بیش از راه نیافتگان و سایر دانش‌آموزان است.
- ۴- شدت نشانه‌های اختلالات روانی در زمینه اختلال افسردگی، اضطراب، فوبی، حساسیت بین‌فردی، جسمی‌سازی، خصومت، سایکوتیک و وسواس در بین راه‌نیافتگان به دانشگاه عموماً بیش از گروه‌های دیگر (دانش‌آموزان و پذیرفته‌شدگان در کنکور) بود.
- ۵- سطح اضطراب راه‌نیافتگان به دانشگاه به‌طور معناداری بالاتر از سطح اضطراب دانش‌آموزان و پذیرفته‌شدگان بوده است.
- ۶- بین سطح سلامت عمومی و عزت‌نفس دختران و پسران تفاوت معناداری وجود نداشت.
- ۷- انحراف معیار نمره عزت‌نفس دختران به مراتب بیش از پسران بود. بیشترین نمره و کمترین نمره عزت‌نفس متعلق به دختران بود. این یافته نشان می‌دهد که برخی دختران بیش از پسران در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند.
- ۸- دختران در زمینه افسردگی، اضطراب، اضطراب فوبیک، حساسیت بین‌فردی، پارانویید و در کل مقیاس به‌طور معناداری وضعیت نامناسب‌تری نسبت به پسران داشته‌اند.
- ۹- بالاترین میزان افسردگی دختران به ویژه دختران پذیرفته شده در دانشگاه حایز اهمیت است به عبارت دیگر دختران پذیرفته شده در دانشگاه باوجود موفقیت در کنکور همچنان دچار افسردگی بوده‌اند.
- ۱۰- در مجموع نتایج این پژوهش حاکی از تأثیرات منفی کنکور بر دانش‌آموزان به‌ویژه راه‌نیافتگان به دانشگاه بوده است.

در تحقیقی که به منظور بررسی و مقایسه تأثیر کنکور بر وضعیت روحی، روانی و شخصیتی دانشجویان پذیرفته شده و پذیرفته نشده و خانواده آنان در شهر شیراز انجام شد نتایج زیر به دست آمده است:

تفاوت معناداری در عاطفه مثبت میان دو گروه دانشجو و پشت کنکوری وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که در آزمون ورودی دانشگاه پذیرفته شده‌اند نسبت به کسانی که پذیرفته نشده‌اند احساس خلق و خو و نگرش بهتری نسبت به تواناییها و ویژگیهای مثبت خود دارند. بدین ترتیب اکثریت زیادی از افرادی که در دانشگاه پذیرفته نشده‌اند احساس شکست می‌کنند و دچار عواطف منفی نظیر نا امیدي، افسردگی، اضطراب، استرس، بدخلقی و اندوه می‌شوند. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که والدین دانشجویان نسبت به والدین افرادی که در کنکور پذیرفته نشده‌اند، به‌طور معناداری از عاطفه مثبت برخوردارند. زیرا زمانی که فرزندشان در کنکور پذیرفته می‌شود خانواده نیز خود را به نوعی در این موفقیت سهیم می‌داند (یارمحمدیان، ۱۳۸۲).

نظام تصمیم‌گیری در پذیرش دانشجو

۹۰ درصد اعضای شورای برنامه‌ریزی گزینش دانشجو در دانشگاه و ۱۰ درصد آن از آموزش و پرورش است. در حالی که ۹۰ درصد شورا برای ۱۰ درصد داوطلبان برنامه‌ریزی می‌کند و تصمیم‌هایش عملاً سبب حذف ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان می‌شود و ۹۰ درصد راه نیافته به دانشگاه باید دانش و مهارت لازم را برای زندگی و کار در آینده کسب کرده باشند و این آموزش و پرورش است که باید همه دانش‌آموزان را برای چنین هدفی آماده کند. در صورتی که در حال حاضر کنکور مانع تحقق این وظیفه مهم آموزش و پرورش شده است (حج‌فروش، ۱۳۸۱).

کنکور سراسری امکان هر نوع ابداع و کار پژوهشی را از دانش‌آموزان سلب کرده است (علاقه‌مندان، ۱۳۸۲).

عوامل مؤثر در شکل‌گیری سامانه کنونی کنکور

کنکور و ارزش‌های اجتماعی: باغ سبز دانشگاه کعبه آمال بسیاری از جوانان و خانواده‌های آنهاست. تا زمانی که جایگزین با ارزش دیگری را به جوانان نشان ندهیم رقابت برای ورود به دانشگاه به همین منوال ادامه خواهد یافت به عنوان مثال: اگر دستیابی به موقعیتهای اجتماعی و شغلی مانند گرفتن جواز کسب و کار و تجارت، کارت بازرگانی، کار در مراکز کشت و صنعت و دامداری‌ها و مراکز خدماتی، گرفتن وام و تسهیلات بانکی منوط به دارا بودن گواهینامه مهارت در یک شغل باشد و دانش‌آموز احساس کند که بدون ورود به دانشگاه هم می‌تواند به موقعیت اجتماعی خوبی دست یابد در آن صورت برای ورود به دانشگاه چنین حریص نخواهند بود. شرایط پدید آمده در پذیرش دانشجو در ایران معلول عوامل گوناگون است:

۱- در کشور ما آموزش عالی به صورت یک کالای لوکس در آمده است. بنابراین ورود به دانشگاه مهمتر از کیفیت و خروج آن است و جالب اینکه در ایران کسی که دانشجوی یک رشته است نسبت به دانش‌آموختگان همان رشته از مقبولیت بیشتری برخوردار است. خلاصه اینکه دانشجویی یک مزیت است. در حالی که مثلاً در ژاپن کار و ورود به یک شرکت مزیت محسوب می‌شود، حتی دانشجویان در دوره تحصیل خود تلاش می‌کنند به یک شرکت متصل شوند و کار کنند.

۲- در کشورهای در حال توسعه از جمله در ایران، ثروت، قدرت و دانش، مناسبات اجتماعی انسانها را تغییر می‌دهد و آنها را به موقعیت برتر می‌رساند. از این‌رو آموزش عالی ساده‌ترین ابزاری است که به خانواده‌ها این امکان را می‌دهد که موقعیت اجتماعی فرزندان را متفاوت از موقعیت خود تغییر دهند و آنها را به موقعیت برتر برسانند (سرکارآرانی، ۱۳۸۳).

اگر راههای دستیابی به موقعیتهای برتر اجتماعی و تحرک طبقاتی، متنوع‌تر شوند می‌توان احتمال داد که اصولاً آمار داوطلب ورود به دانشگاه به معنی امروزی کاهش یابد. مثلاً اگر جوانی بداند با ورود به هنرستان یا یک مرکز آموزش فنی حرفه‌ای راه استخدام او در یک کارخانه یا مزرعه فراهم‌تر از این است که مثلاً لیسانس ریاضی یا ادبیات بگیرد، مطمئناً راه اول را انتخاب می‌کند و اصولاً از آمار داوطلبان کاسته خواهد شد.

فرضیه‌های مختلف برای حذف کنکور

برای حذف کنکور از نظام پذیرش دانشگاهها چند فرض را می‌توان مورد مطالعه و آزمون قرار داد:

الف - کاستن تعداد متقاضیان ورود به دانشگاهها

ب - تغییر کارکرد بخش‌هایی از ظرفیت آموزش عالی از کارشناسی به کاردانی

ج - توسعه ظرفیت آموزش عالی

الف - کاستن تعداد متقاضیان ورود به دانشگاهها

از آنجا که واضح‌ترین مشکل کنکور آن است که تعداد داوطلب بیش از ظرفیت است (گویا، ۱۳۸۱) باید ابتدا راهی منطقی برای کاهش این تقاضا یافت.

۱- توسعه هنرستان صنعتی کار و دانش و فنی و حرفه‌ای: در ساختار کنونی آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور کسی که وارد هنرستان می‌شود مسیر ادامه تحصیل او از کسانی که دیپلم نظری گرفته‌اند جدا است، مگر اینکه دوره پیش‌دانشگاهی را بگذرانند که به ندرت اتفاق می‌افتد. ادامه تحصیل این افراد فقط از طریق آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای و دانشگاه جامع علمی کاربردی مقدور است. بنابراین چنانچه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش توسعه یابد تعداد زیادی از دیپلمه‌ها از گردونه کنکور سراسری حذف خواهند شد. طبق اظهار نظر رسول‌زاده مدیر کل دفتر آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای در شهرهای بزرگ به ازای ۱۰ متقاضی یک صندلی برای پذیرش در رشته فنی و حرفه‌ای وجود دارد. براساس برنامه چهارم، ۱۹ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی باید در رشته‌های فنی و حرفه‌ای تحصیل کنند، اما آموزش و پرورش نمی‌تواند براساس تقاضای موجود ظرفیت ایجاد کند. در سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳ ظرفیت فنی و حرفه‌ای ۱۵/۷ درصد بوده که در سال ۸۵ - ۸۴ با ۵/۴ درصد رشد به ۱۶/۱ درصد خواهد رسید. در سال تحصیلی ۸۴-۸۳، ۳۴۸۰۰۰ دانش‌آموز در ۴۲ رشته فنی و حرفه‌ای مشغول تحصیل بوده‌اند که در پایان برنامه ۱۷۰۰۰۰ نفر به این جمعیت افزوده خواهد شد (رسول‌زاده، ۱۳۸۴).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در برنامه چهارم توسعه سهم ناچیزی از دانش‌آموزان دوره متوسطه یعنی فقط ۱۹ درصد به رشته‌های فنی و حرفه‌ای اختصاص

یافته که بنا به اظهار مدیر کل دفتر آموزش فنی و حرفه‌ای معلوم نیست محقق شود و آموزش و پرورش نمی‌تواند به تقاضای دانش‌آموزان پاسخ دهد. در حالی که اگر کانون‌های تفکر در این باره بیشتر بیندیشند و از همه امکانات کشور در این راه استفاده کنند افزایش ظرفیت رشته‌های فنی و حرفه‌ای در دوره متوسطه کار دشواری نیست. علاوه بر این ضریب اشتغال دانش‌آموختگان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای از دیپلم‌های نظری و حتی بعضی از رشته‌های کارشناسی نیز بالاتر است. زیرا جامعه به یک دیپلمه هنرستانی بیش از یک دیپلمه نظری نیاز دارد. بنابراین با اطمینان می‌توان ادعا کرد که هر چه هنرستانهای فنی و حرفه‌ای و کار و دانش توسعه یابند از تعداد متقاضیان کنکور سراسری کاسته خواهد شد. بدیهی است که رشته‌های تحصیلی در هنرستانها باید با نیازهای جدید بازار کار تطبیق داده شوند.

۲- توسعه ظرفیت دوره‌های کاردانی پیوسته: دوره‌های کاردانی پیوسته که به‌طور عمده در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای اجرا می‌شوند به دانش‌آموختگان هنرستانها اختصاص دارد. اگر این آموزشکده‌ها توسعه یابند رغبت دانش‌آموزان برای ثبت‌نام در دوره‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش افزایش خواهد یافت، زیرا به ادامه تحصیل خود بیشتر مطمئن می‌شوند. گو اینکه یکی از شعارهای نظام جدید آموزش متوسطه که از سال ۷۶ اجرا شد حذف کنکور دوره‌های کاردانی پیوسته بود که متأسفانه عملاً آموزش و پرورش نتوانست به این شعار جامه عمل بپوشاند. هر چند دانشگاه آزاد اسلامی برای اولین بار کنکور دوره‌های کاردانی پیوسته را در سال ۱۳۸۴ حذف کرد و امکان ادامه تحصیل کلیه دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای و کار و دانش را فراهم ساخت.

۳- توسعه ظرفیت دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی: فرق دوره‌های کاردانی پیوسته آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای و دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی در این است که در نوع اول فقط دیپلمه‌های هنرستانی پذیرش می‌شوند و در نوع دوم همه دیپلمه‌ها می‌توانند ادامه تحصیل دهند و نیاز به مدرک پیش‌دانشگاهی نیز ندارد. توسعه این دوره‌ها علاوه بر اینکه بازار کار را از نیروهای ماهر اشباع می‌کند باعث می‌شود که تقاضای شرکت در کنکور سراسری نیز تقلیل یابد. زیرا بسیاری از دانش‌آموزان رشته‌های نظری انگیزه کافی برای گذراندن دوره پیش‌دانشگاهی ندارند و وقتی بدانند از پایان سال سوم دبیرستان می‌توانند در دوره‌های علمی کاربردی ادامه تحصیل دهند و

از شانس بیشتری در بازار کار برخوردار شوند، تحصیل در این دوره را ترجیح خواهند داد. بنا به گفته معاون سازمان سنجش آموزش کشور ظرفیت پذیرش در نهمین آزمون سراسری دانشگاه جامع علمی - کاربردی در سال ۱۳۸۳ چهل هزار بوده که ۳۰۰ هزار نفر داوطلب داشته است. این آزمون برای ۲۱۳ رشته (۱۶۳ رشته کاردانی، ۴۳ رشته کارشناسی ناپیوسته و ۲ رشته کارشناسی پیوسته) برگزار شده که ظرفیت پذیرش آن ۲۲ هزار داوطلب آزاد و ۱۸ هزار نفر داوطلب شاغل بوده است (پورکاظمی، ۱۳۸۳).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در سال ۸۳ فقط حدود ۱۳ درصد داوطلبان در دانشگاه جامع علمی کاربردی پذیرفته شده‌اند. در حالی که اگر ظرفیت این دوره نیز افزایش یابد، چون داوطلبان آن دوره پیش‌دانشگاهی را لزوماً نگذرانده‌اند، عملاً امکان شرکت در کنکور سراسری را نخواهند داشت و کسی که تصمیم جدی برای تحصیل در دانشگاه علمی کاربردی داشته باشد به احتمال زیاد انگیزه‌ای برای گذراندن دوره پیش‌دانشگاهی نخواهد داشت، بنابراین از گردونه کنکور سراسری حذف خواهد شد.

۴- تسهیل امکان ادامه تحصیل دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی پیوسته و دوره‌های کاردانی دانشگاه جامع علمی کاربردی از طریق توسعه دوره‌های کارشناسی ناپیوسته: در صورتی که نسبت پذیرش به داوطلب در آزمون‌های کارشناسی ناپیوسته افزایش یابد داوطلبان دوره‌های کاردانی مسیر ادامه تحصیل خود را هموارتر احساس می‌کنند و در این صورت رغبت به تحصیل در دوره‌های کاردانی افزایش خواهد یافت. همان‌گونه که در بالا نیز ذکر شد رغبت به تحصیل در دوره‌های کاردانی پیوسته و در دانشگاه جامع علمی کاربردی موجب کاهش داوطلبان کنکور سراسری می‌شود. در ضمن باید توجه داشت که بخش قابل توجهی از دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی به دلیل مهارت‌های کسب شده و بازار کار نسبتاً پررونق، داوطلب ادامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی ناپیوسته نیز نخواهند بود و جذب بازار کار می‌شوند و عملاً از ادامه تحصیل منصرف خواهند شد.

۵- حمایت از اشتغال دانش‌آموختگان هنرستان‌ها و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای: در صورتی که برای استخدام در کارخانه‌ها، مراکز کشت و صنعت و دستیابی به موقعیت‌های شغلی آزاد مانند گرفتن جواز کسب و کار و تجارت و بازرگانی و تأسیس مراکز خدماتی و گرفتن تسهیلات بانکی به دانش‌آموختگان هنرستان‌ها و آموزشکده‌های

فنی و حرفه‌ای و دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی اولویت داده شود از رغبت به تحصیل در دوره‌های نظری و در پی آن شرکت در کنکور سراسری کاسته می‌شود و در عوض تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای رونق می‌یابد.

۶- بین‌المللی کردن مهارت‌آموزی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی کشور: برنامه‌های درسی و کارآموزی در دوره‌ها و رشته‌های فنی و حرفه‌ای را باید متناسب با نیازهای بین‌المللی نیز طراحی کرد. یعنی به دانش‌آموختگان این دوره‌ها مهارت و آمادگی لازم برای حضور در بازارهای کار جهانی را داد. نمونه‌های فراوان از مشاغلی در سطح جهان را می‌توان شناسایی کرد که بازار کار دارند به شرط آنکه مهارت‌های مورد نیاز آنها را کسب کرده باشند. به عنوان نمونه بسیاری از دانش‌آموختگان رشته کمیسر دریایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خارک در شرکت‌های بین‌المللی کشتیرانی مشغول کار شده‌اند. یکی از دانش‌آموختگان دوره کاردانی رشته پرورش گاو شیرده دانشگاه جامع علمی - کاربردی برای نویسنده نقل می‌کرد که از استرالیا دعوت‌نامه کار دریافت کرده است. نمونه این رشته‌ها و مشاغل فراوان است که بدون شک و گمان به فرار مغزها می‌توان زمینه مهاجرت و اشتغال نیروهای آموزش دیده را برای کار در سطح بین‌المللی فراهم ساخت.

۷- فعال کردن جریان مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی در دوره‌های راهنمایی و متوسطه: برای ترغیب دانش‌آموزان به ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و پرهیز دادن آنها از ادامه تحصیل در رشته‌های نظری و شرکت در کنکورهای ناموفق و معرفی سایر راه‌های موفقیت در زندگی باید جریان مشاوره و راهنمایی در مدارس بهتر از وضع کنونی شود.

۸- تأسیس دانشگاه‌های محلی فقط برای افراد بومی: ترغیب افراد خیر محلی به تأسیس دانشگاه‌های محلی و ایجاد موقوفات برای آنها به نحوی که فقط افراد بومی را پذیرش کنند یا به آنها اولویت دهند نیز باعث می‌شود که از داوطلبان شرکت در کنکور سراسری کاسته شود. تصور بدون کنکور کردن چنین دانشگاه‌هایی نیز در درازمدت دور از ذهن نیست.

۹- تنوع بخشیدن به رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش و کاردانی پیوسته: ظرفیت و تنوع رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش و کاردانی علمی کاربردی باید آنقدر

افزایش یابد تا برای هر شغلی دانش آموخته و متخصص آن شغل در جامعه تربیت شده باشد و کارفرمایان از نظر قانونی ملزم شوند که فقط این گونه افراد را جذب کنند و جواز کسب فقط به کسانی داده شود که در حرفه مورد نظر خود دوره دیده باشند. در حال حاضر چنین نیست و بسیاری از مشاغل به وسیله افراد غیر حرفه‌ای اداره می‌شود. از مشاغل کوچک و بازاری مانند ناوایی و قصابی و تعمیر اتومبیل گرفته تا مشاغل موجود در کارخانه‌ها و مزارع و شرکتهای بازرگانی و در بسیاری از شغل‌های دولتی افراد به صورت حرفه‌ای تحصیل نکرده‌اند. اگر چنین شرایطی به تدریج در جامعه حاکم شود جوانان احساس خواهند کرد که بدون ورود به دانشگاه نیز می‌توانند از شغل و موقعیت اجتماعی مناسبی برخوردار شوند و از وارد نشدن خود به دانشگاه احساس حقارت نخواهند کرد. کما اینکه در بسیاری از کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان چنین است.

۱۰- توسعه ظرفیت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی در بخش خصوصی و دولتی: براساس پژوهش امیری، (۱۳۸۱) به طور متوسط ۳۲ درصد کسانی که دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی را گذرانده‌اند جذب بازار کار شده‌اند که احتمالاً از کسانی که این دوره‌ها را نگذرانده‌اند شانس اشتغال بیشتری داشته‌اند. در عین حال از این پژوهش می‌توان استنباط کرد که رشته‌های آموزشی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با نیاز بازار کار نبوده است و اگر در طراحی رشته‌های آموزشی و تدوین برنامه‌های درسی توجه بیشتری شود ضریب اشتغال این افراد افزایش خواهد یافت. از این رو سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای قبل از طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی باید نیاز بازار کار هر منطقه را مطالعه نماید و آن دسته از رشته‌هایی که توان خوداشتغالی بالایی دارند را شناسایی نماید (امیری، ۱۳۸۱).

ایزدی (۱۳۸۳) از مدیران سازمان آموزشی فنی و حرفه‌ای، وزارت نفت در سال ۸۳ چهار برابر سال ۸۲ برای تربیت افراد ماهر در صنعت نفت اعلام نیاز کرده که این سازمان فقط توان پاسخگویی به ۱۰ درصد نیاز آنها را دارد. همچنین بنا به اظهار نامبرده ۷۵ درصد جویندگان کار هیچ مهارتی ندارند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که مهمترین دغدغه یک جوان که در آستانه ورود به دانشگاه قرار دارد اشتغال و دستیابی به یک موقعیت اجتماعی مناسب است و

حرص و ولع او برای ورود به دانشگاه نیز به همین منظور است. حال اگر جایگزین‌های دیگری برای اشتغال و کسب موقعیت اجتماعی او به وجود آید انگیزه زیادی برای ورود به دانشگاه نخواهد داشت و گروه زیادی از جوانان از ورود به دانشگاه به معنی امروزی‌اش صرف‌نظر می‌کنند. توسعه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش، توسعه آموزش‌شکده‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه دوره‌های کارشناسی ناپیوسته، توسعه دانشگاه جامع علمی کاربردی، حمایت قانونی و اجتماعی از اشتغال دانش‌آموختگان مراکز نامبرده، توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای از جمله جایگزین‌های مناسب برای کاهش هجوم تحصیل در دانشگاه‌هاست. اگر مسیر تحصیلی از سال اول دبیرستان به سمت کار و دانش و فنی و حرفه‌ای هدایت شود، عموماً امکان شرکت در کنکور سراسری را نخواهند داشت مگر اینکه با مشقت زیاد دوره پیش‌دانشگاهی را بدون داشتن زمینه لازم در یکی از رشته‌های نظری بگذرانند که احتمال آن خیلی ضعیف است. در سال سوم دوره‌های نظری نیز اگر بتوانند به سهولت وارد دوره‌های دانشگاه جامع علمی - کاربردی شوند انگیزه تحصیل در دوره پیش‌دانشگاهی در آنها کاسته خواهد شد و به‌طور طبیعی جمعیت متقاضی برای کنکور سراسری کاهش خواهد یافت.

ب - تغییر کارکرد بخش‌هایی از ظرفیت عالی از کارشناسی به کاردانی

رغبت به تحصیل در دوره کاردانی در بین جوانان پایین است. یکی از دلایل آن بی‌رغبتی دانشگاه‌ها به اجرای دوره‌های کاردانی است. اغلب دانشگاه‌های صنعتی و معتبر کشور از اجرای دوره‌های کاردانی امتناع می‌ورزند و اجرای این مقطع تحصیلی را کسر شأن خود می‌دانند. در صورتی که اگر بخشی از ظرفیت کارشناسی دانشگاه‌ها به کاردانی اختصاص پیدا کند، علاوه بر اینکه به نوعی ظرفیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی را افزایش می‌دهد فواید زیر را نیز در برخواهد داشت:

• بازار کار به دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی به خصوص در رشته‌های صنعتی و فنی بیشتر نیاز دارد. در حالی که آمارها نشان‌دهنده افزایش جمعیت دانش‌آموختگان کارشناسی نسبت به کاردانی است در سال تحصیلی ۸۱ - ۸۰ درصد دانشجویان به تفکیک مقاطع تحصیلی به این شرح بوده است: کاردانی ۱۹/۳ درصد، کارشناسی ۷۰/۱ درصد،

کارشناسی ارشد ۴/۷ درصد، دکترای حرفه‌ای ۴/۵ درصد، دکترای تخصصی ۵/۱ درصد (آمار آموزش عالی ایران ۸۱ - ۸۰).

- تعدادی از کسانی که دوره‌ی کاردانی را به اتمام می‌رسانند، جذب بازار کار می‌شوند و انگیزه‌ی ادامه‌ی تحصیل به صورت موقت یا دایم در آنها کاهش می‌یابد.
- صندلی دانشگاه برای بخش عظیمی از دانشجویان به جای ۴ سال، ۲ سال اشغال می‌شود و ظرفیت دانشگاه به متقاضیان جدید تخصیص می‌یابد.
- فایده‌ی دیگر این کار این است که برای دوره‌های کاردانی پیوسته و علمی - کاربردی می‌توان از سال سوم دبیرستان یعنی بدون پیش‌دانشگاهی دانشجوی گرفت که خود به نوعی صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت، خانواده و فرصت‌های دانشجویان است.
- در دوره‌های کاردانی می‌توان تأکید بیشتری بر کار عملی نمود.
- امکان تنوع رشته‌ها و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی در دوره‌ی کاردانی بیشتر است.
- در دوره‌ی کاردانی بیشتر زمینه‌ی نظریه‌پردازی فراهم می‌شود، زیرا افزایش تجربه‌های عملی موجب پردازش نظریه می‌شود.

بنابراین برای نزدیک شدن به حذف کنکور الگوی ادامه‌ی تحصیل تا مرحله‌ی کارشناسی، که در حال حاضر دیپلم کارشناسی است، می‌توان بخشی از آن را دیپلم کاردانی کارشناسی قرار داد تا به تقاضاهای بیشتری پاسخ داده شود.

باید گفت اهتمام لازم برای توسعه‌ی دوره‌های کاردانی در کشور صورت نپذیرفته و برنامه‌های پیش‌بینی شده برای این امر تحقق نیافته است. به عنوان نمونه برخی از شاخص‌های برنامه‌ی اول توسعه این تحقق‌نیافتگی را نشان می‌دهد:

۱- شاخص تعداد دانشجویان کاردانی در سال پایانی برنامه‌ی اول که بنا بود طی برنامه‌ی نسبت به سال ۶۷ رشدی معادل ۵۴/۳ درصد داشته باشد، نه تنها این رشد را نداشته بلکه ۱۲ درصد هم نسبت به سال ۶۷ کاهش یافته است.

۲- شاخص سهم آموزش کاردانی در مجموع آموزش عالی که در سال ۶۷ برابر با ۲۴/۳ درصد بوده و بنا بود اجرای برنامه آن را به ۲۵/۶ درصد برساند متأسفانه در سال پایانی برنامه به ۹/۸۴ درصد کاهش یافته است که کاهش چشمگیری است و این بدان معنی است که عدم تعادل در هرم شغلی کشور در سالهای آتی باز هم بیشتر خواهد شد.

۳- شاخص تعداد دانشجوی کاردانی در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت که در سال ۶۷ برابر با ۱۷۵ نفر بود و طبق پیش‌بینی برنامه باید در سال ۷۲ به ۲۳۱ نفر در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت افزایش یابد حتی از سال ۶۷ پایین‌تر رفته و در سال ۷۲ تعداد دانشجوی کاردانی در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به ۱۳۵ نفر کاهش یافته است.

شاخص‌های برنامه دوم نیز نشان دهنده موارد مشابهی است:

عوامل زیر در وضعیت نامناسب آموزشهای کاردانی در کشور مؤثر است:

۱- موضع یا گرایش منفی داشتن نسبت به کار عملی (یدی) در خانواده‌ها، جوانان، برنامه‌ریزان و دانشگاهیان.

۲- کم جاذبه بودن تحصیل در آموزشهای عالی کوتاه‌مدت به دلیل رابطه مستقیم این آموزشها با شغل، درآمد و موقعیت اجتماعی افراد.

۳- وضعیت آموزش عمومی و متوسطه

۴- نبودن نظام هماهنگ برنامه‌ریزی و اجرایی آموزشهای عالی کوتاه‌مدت در سطح کشور

۵- جایگاه ضعیف بخش آموزش در نظام برنامه‌ریزی کشور

۶- فقدان نظام برنامه‌ریزی نیروی انسانی در کشور و ناهماهنگی و یا نبودن سیاستهای اشتغال و آموزش مرتبط به هم در کشور

۷- فقدان سیاست مشخص برای ورود فناوریهای جدید و صنعتی شدن کشور

۸- ساختار نظام آموزش عالی (مقنی‌زاده، ۱۳۸۲)

ج - افزایش و توسعه ظرفیت آموزش عالی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حداکثر ۱۰ درصد از کل داوطلبان یعنی حدود ۱۷۰ هزار نفر از یک میلیون و هفتصد هزار شرکت‌کننده کنکور سال ۸۴ را پذیرش کرده است. اگر به همین اندازه هم دانشگاه آزاد اسلامی پذیرش داشته باشد یک میلیون و سیصد و شصت هزار نفر از داوطلبان کنکور آواره و سرگردان‌اند و عارضه‌های روانی و اجتماعی زیادی را تحمل می‌کنند.

بعضی مقایسه‌ها نشان می‌دهد که نسبت پذیرش به داوطلب در کشور ما ناچیز است. دسترسی جوانان ژاپنی به دانشگاه چندین برابر ایران است. هم‌اکنون بیش از

۵۰ درصد گروه سنی ۱۸ تا ۲۰ سال در دانشگاه به سر می‌برند و تقریباً بیش از ۷۵ درصد داوطلبان ورود به دانشگاه یک کرسی در یکی از مراکز آموزش عالی برای خود کسب می‌کنند (سرکارآرانی، ۱۳۸۳).

در سال ۲۰۰۰ تعداد شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری چین ۵ میلیون نفر بوده که ۵۲ درصد یعنی ۲۶۰۰۰۰۰ نفر آنها پذیرفته شده‌اند (پورکاظمی، ۱۳۸۱).

برای حل معضل کنکور در کنار هر راه‌حلی توسعه ظرفیت پذیرش دانشجو را باید مورد توجه قرار داد. تجربه دانشگاه آزاد اسلامی نشان داد که امکانات و استعداد های نهفته فراوانی در کشور وجود دارد که بدون اتکا به دولت می‌توان در خدمت توسعه آموزش عالی قرار داد. دانشگاه آزاد اسلامی ظرف ۲۳ سال بیش از یک میلیون صندلی به ظرفیت آموزش عالی کشور افزوده و فضاهای مناسب و قابل قبولی برای آن ایجاد کرده است. دانشگاه‌های غیرانتفاعی، مجازی و نیمه حضوری از جمله نمونه‌های دیگری است که در دنیا تجربه شده و به این وسیله می‌توان از بار سنگین بر آموزش عالی دولت کاست.

چند پیشنهاد برای حذف تدریجی کنکور

امروز بعضی زمینه‌ها برای حذف کنکور در دانشگاه‌ها وجود دارد که باید مسئولان برای اقدام آن جرأت و جسارت لازم را به خرج دهند. اقدام قابل توجه دانشگاه آزاد اسلامی در حذف کنکور کاردانی پیوسته در سال ۱۳۸۴ به عنوان نقطه عطفی در دوره حل معضل کنکور در کشور باقی خواهد ماند. اقدامات مشابه دیگری را نیز می‌توان آغاز کرد. در حذف کنکور کاردانی پیوسته دانشگاه آزاد اسلامی برای هر رشته معدل تقریبی دیپلم هنرستان اعلام شد تا دانشجویان مدارک خود را ارسال نمایند و سپس براساس اولویت انتخاب شوند. ممکن است این شیوه، در عمل نارساییهایی داشته باشد اما حداقل این حسن را داشت که داوطلبان از امکان قبولی یا عدم قبولی خود در رشته شهرها قبل از اعلام نتایج تا حد زیادی مطمئن شدند و از اضطراب و نگرانی آنان کاسته شد.

حذف کنکور از رشته‌های علوم پایه

برای بسیاری از رشته‌های دانشگاهی دولتی نیز می‌توان اقدامات مشابهی را آغاز کرد. به عنوان مثال بعضی از رشته‌های دانشگاهی متقاضی محدودی از بین افراد واجد شرایط دارد. تحصیل در رشته‌های علوم پایه مانند فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی مستلزم استعداد و بهره‌هوشی نسبتاً بالا و علاقه‌مندی زیاد داوطلب به تحصیل در این رشته‌هاست. به‌طور معمول اغلب داوطلبان با استعداد ترجیح می‌دهند در رشته‌های مهندسی و پزشکی تحصیل کنند تا رشته‌های علوم پایه، مگر تعداد محدودی از آنها که واقعاً علاقه‌مند به علوم پایه باشند. این افراد به راحتی قابل شناسایی‌اند و اصولاً نیاز به شرکت دادن آنها در آزمون سراسری نیست. می‌توان با همکاری انجمن‌های علمی مانند انجمن ریاضیات یا انجمن فیزیک نظری در هر سال دو تا سه نوبت آزمون علوم پایه برگزار کرد که اگر داوطلبی در یک نوبت به هر دلیل آمادگی نداشت، در نوبت بعد بتواند دوباره در آزمون شرکت نماید. برای شرکت‌کنندگان در این آزمون‌ها می‌توان شرط گذاشت، مثلاً شرط معدل یا شرط نمره در درس معین یا نمره تافل در دوره دبیرستان اعلام شود تا فقط افراد با استعداد در این درس ثبت نام کنند. برای آزمون‌هایی که سازمان سنجش با همکاری انجمن‌های علمی برگزار می‌کند، نیز می‌توان کارنامه صادر کرد و انتخاب دانشجویان را به ستادی در دانشگاه واگذار کرد. برای این‌گونه افراد دوره‌های کارشناسی ارشد پیوسته نیز می‌توان پیش‌بینی کرد که از اول بدانند بدون کنکور مجدد می‌توانند تحصیلات تکمیلی خود را نیز ادامه دهند. با اجرای چند طرح مشابه این پیشنهاد می‌توان بار کنکور را به تدریج سبک و از اضطراب داوطلبان کاست.

طرح دیگر این است که در رشته‌شهرهایی که طبق آمار ظرفیت آنها تکمیل نمی‌شود کنکور حذف شود و دانشگاه به همان شکل قبلی شرط معدل و نمره و کارنامه ملاک پذیرش قرار دهد. مثلاً رشته زبان و ادبیات فارسی یا زبان و ادبیات عرب در یک شهر دور افتاده که ظرفیتش معمولاً پر نمی‌شود چه لزومی دارد که از طریق کنکور سراسری دانشجو بگیرد؟ چنین دانشگاهی باید شرایط خود را در اینترنت اعلام کند که مثلاً کسی که فلان نمره یا معدل را در دوره متوسطه و فلان نمره را در کارنامه

آزمون فصلی علوم انسانی آورده باشد، می‌تواند تقاضای خود را به دانشگاه بفرستد. در دانشگاه نیز ستادی مسئولیت مصاحبه و پذیرش این دانشجویان را به عهده بگیرد. برای پذیرش در رشته‌های فنی و مهندسی که داوطلبان زیادی دارد می‌توان به جای اینکه فقط آزمون‌های تستی از دروس نظری را ملاک پذیرش قرار داد به عوامل دیگری مانند ارائه گواهینامه مهارت حرفه‌ای در یک رشته تعریف شده برای هر رشته تحصیلی نیز توجه کرد. در این صورت اگر دانش‌آموز در کنکور پذیرفته نشود یک حرفه را به خوبی آموخته و می‌تواند سطوح بالاتر آن حرفه را نیز فرا گیرد و در بازار کار از آن استفاده نماید و اگر در دانشگاه پذیرفته شود نیز مهارت‌های عملی او را در فهم دروس نظری یاری می‌دهند. ضمن اینکه ممکن است در دوره دانشجویی نیز آشنایی با یک مهارت او را برای کمک خرج تحصیل و زندگی یاری کند.

نتیجه‌گیری

تجدیدنظر در نظام پذیرش دانشجو در آموزش عالی کشور یک ضرورت است و برای انجام آن نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد از جمله:

- ۱- هرگونه تغییر در کنکور سراسری باید از اضطراب و نگرانی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان بکاهد و باید از تغییراتی که این اضطراب را افزایش دهد پرهیز کرد.
- ۲- با افزایش ظرفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در هنرستان‌های صنعتی، آموزش‌شکده‌های فنی و حرفه‌ای دانشگاه جامع علمی کاربردی و دوره‌های کاردانی دانشگاهها باید سرنوشت دانش‌آموزان را به سمتی تغییر داد که از تعداد متقاضیان شرکت در کنکور سراسری کاسته شود.
- ۳- تغییر در روش‌های کنکور و پذیرش دانشجو باید براساس تحقیقات علمی و به‌صورت تدریجی صورت گیرد و از هرگونه اقدام نسنجیده و شتاب‌زده پرهیز کرد.
- ۴- هر یک از گروه‌های درسی یا رشته‌شهرهای دانشگاهی مقتضیاتی دارند که لزوماً مشابه یکدیگر نیستند. بنابراین ضرورتی ندارد که برای همه آنها تصمیم مشابهی گرفت. می‌توان مقتضیات رشته یا شهرهایی را مطالعه کرد و آنها را به تدریج از گردونه کنکور خارج ساخت مانند مثالی که برای علوم پایه زده شد.

۵- مشاوره و راهنمایی دانش‌آموزان در دوره دبیرستان به‌عنوان یک عامل مؤثر در اصلاح وضع کنکور به رسمیت شناخته شود و این جریان در مدارس به‌صورت هدفدار فعال‌تر گردد.

۶- شرایط پذیرش دانشجو در هر دانشگاه به تدریج به نحوی اعلام شود که دانشجو و خانواده او متوجه شوند که استعداد و توانایی لازم برای پذیرفته شدن در رشته شهر مورد نظر را دارند یا خیر. روش کنونی در کنکور سراسری این توهم را برای همه شرکت‌کنندگان ایجاد کرده که شاید در رشته انتخابی خود قبول شوند. در حالی که می‌توان سازوکارهایی را به کار برد که بدون شرکت در کنکور سراسری داوطلب خود بتواند بفهمد اصولاً در چه رشته شهری قبول می‌شود.

۷- برای کاهش اضطراب داوطلبان ضرورتی ندارد که کنکور سالی یک بار و آن هم با این حالت وحشتناک و دلهره‌آمیز برگزار شود. می‌توان کنکور را با پارامترهای مختلف به دفعات برگزار کرد. و برای هر آزمون کارنامه صادر شود. مثلاً آزمون زبان و آزمون علوم پایه و آزمون معارف و TOFELL مانند آزمون ادبیات. آنگاه داوطلب مجاز باشد بالاترین کارنامه خود را برای دانشگاه محل تحصیل یا سازمان سنجش بفرستد تا ارزیابی شود.

۸ - برای اجرای کنکور لزومی ندارد که موضوع در انحصار سازمان سنجش و آموزش کشور باشد، بلکه می‌توان این کار را در سطوح معینی به انجمن‌های علمی، مؤسسات آموزشی پژوهشی و کانون‌های تفکر نیز واگذار کرد.

منابع

- آمار آموزش عالی ایران. (۸۱ - ۸۰)، «مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی»، آذر ۱۳۸۱.
- امیری، معصومه. (۱۳۸۱)، «بررسی وضعیت اشتغال آموزش‌دیدگان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و برآورد الگوی عوامل مؤثر بر آن»، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۸۸
- ایزدی، صمد. (۱۳۸۳)، «سخنرانی در چهارمین همایش انجمن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه شهید بهشتی».
- پورکاظمی، محمدحسین. (۱۳۸۳)، «انتشار اسامی ۴۰ هزار پذیرفته شده در دانشگاه جامع علمی کاربردی»، *روزنامه آفرینش*، شماره ۲۱۳۵.
- پورکاظمی، محمدحسین. (۱۳۸۱)، «مطالعه تطبیقی پذیرش دانشجو در کشورهای چین و ژاپن و طرح جدید آزمون سراسری»، *مجموعه مقالات سمینار بررسی روشها و مسائل آزمونهای ورودی دانشگاهها*، خانه ریاضیات اصفهان.
- حج‌فروش، احمد. (۱۳۸۳)، «کنکور سد راه دانایی جوانان»، *ماهنامه پژوهش*، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی، شماره ۳۱.
- حج‌فروش، احمد. (۱۳۸۱)، «بررسی آسیب‌های کنکور بر برنامه‌های درسی دوره‌های متوسطه و پیش‌دانشگاهی و ارائه روش رفع آسیب‌ها»، *مجموعه مقالات سمینار بررسی روشها و مسائل آزمونهای ورودی دانشگاهها*، خانه ریاضیات اصفهان.
- رسول‌زاده، رضا. (۱۳۸۴)، «یک صندلی به ازای ۱۰ متقاضی تحصیل در رشته فنی و حرفه‌ای»، *روزنامه آفرینش*، شماره ۱۲۴۹.
- سرکارآرانی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، *مقایسه سیاستهای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ژاپن و ایران*، سایت اینترنتی بنیاد آینده‌نگری ایران، Iranian to uturist may 2002
- علاق‌مندان، جعفر. (۱۳۸۲)، *ماهنامه خبری پژوهش*، شماره ۲۹.
- کاردان، علی محمد. (۱۳۸۱)، «مبانی‌گزینش دانشجو»، *مجموعه مقالات سمینار بررسی روشها و مسائل آزمونهای ورودی دانشگاهها*، خانه ریاضیات اصفهان.
- گویا، زهرا. (۱۳۸۱)، «آسیب‌شناسی کنکور در ایران»، *مجموعه مقالات سمینار بررسی روشها و مسائل آزمونهای ورودی دانشگاهها*، خانه ریاضیات اصفهان.
- معتمدی، عبدالله. (۱۳۸۲)، *اثرات کنکور بر شرایط روانی راه‌یافتگان به دانشگاه*، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی.

مقنی‌زاده، محمدحسین. (۱۳۸۲)، *تحلیلی بر آموزش‌های کوتاه‌مدت و مسائل آن*.
یارمحمدیان، احمد و نادره سهرابی. (۱۳۸۳)، «بررسی و مقایسه تأثیر کنکور بر وضعیت روحی
و شخصیتی راه‌یافتگان و راه‌نیافتگان به دانشگاه و خانواده آنها»، *فصلنامه مطالعات
روان‌شناختی*، سال اول، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

تاریخ وصول: ۸۵/۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۸۶/۲/۴